



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۷/۱۹

قاسم باز

خاطرات دو دوست شهید سردار محمد داودخان،

از محمد داودخان

ډگر جنرال عبدالرزاق خان و سيد شمس الدين مجروح

خاطره ډگر جنرال عبدالرزاق خان از شهید سردار محمد داودخان اولین ریس جمهور افغانستان. گرفته شده از کتاب (زندگی سیاسی شهید محمد داودخان از آغاز تا انجام) صفحه ۳۵۰ که بقلم توانا استاد محترم داکتر سید عبدالله کاظم تحریر یافته چنین میخوانیم.

ډگر جنرال عبدالرزاق خان به حیث دوست و همکار دیرینه محمد داود جریان یکی از دیدارهای خود را با او چنین شرح میدهد: زمانیکه او صدراعظم بود یکروز عصر به دیدنش به منزل شان رفتم. موقع دادند که به ایشان ملاقات کنم. در حین ملاقات که چای صرف شد. پس از چای فرمودند: « من یک پلان جدید ترتیب و میخوام که به حضور شاه پیش کنم و پلان عبارت از این است که: افغانستان به سیستم موجود شاهی ماندنش در خطر است. جوانان ما هم بیرون رفته و ممالک خارج را دیده اند، تحصیل کرده و پس آمده اند. بعضی جوانان ما که در داخل مملکت تحصیل کردند، نیز افکار جدید دارند. بر علاوه بعضی خارجی ها به مملکت رفت و آمد دارند و جوانان ما با آنها در تماس هستند و لذا آنها به پرنسپ های دیموکراسی روز به روز آشنایی پیدا کرده اند. اگر ما این نظام را نگردانیم، یکروز قهراً از طرف مردم اقدام میشود. خود ما از بین خواهیم رفت و هم حکومت. بهتر می شود ما خود این نظام را تبدیل کنیم به نظام جمهوریت که در انصورت اعلیحضرت ظاهرشاه می تواند برای یک یا دو دوره به حیث ریس جمهور افغانستان قبول شود. »

(بعداً محمد داودخان از من [عبدالرزاق] پرسید که: راجع به این مفکوره چی میگوید؟ من عرض کردم که این یک مفکوره خوب و نیک است. شما خود گذار میکنید از یک مرحله تاریخی به دیگر مرحله تاریخی و حق مشروع مردم را به مردم میدهید. من یقین دارم که تمام مردم از شما خوش خواهند شد و از طرف دیگر ممکن است که تاریخ از فداکاری فامیل سلطنت بسیار به خوبی یاد کند که بهتر ازین چیزی نخواهد بود: فرمودند که: خودت موافق هستی به نظریه من و من به این راه متشبث هستم.

(ډگر جنرال عبدالرزاق: افغانستان در جریان زندگی من صفحه ۹۰)
همچنان در صفحه ۳۵۲ کتاب فوق (زندگی سیاسی شهید محمد داودخان از آغاز تا انجام) چنین میخوانیم، در اینجا باز هم می خواهم از شخصی نقل قول کنم که خود در جریان رویدادها حاضر و در پیمودن مسیر تا انوقت همگام بود و این شخص سید شمس الدین مجروح است که یکی از معتمدان محمد داود در دوره صدارت بود و اینکه بعداً از او فاصله گرفت موضوع جداگانه است. سید شمس الدین مجروح در کتاب خود تحت عنوان سرگذشت من چنین مینویسد: « روزی بعد از پایان

یافت یکی از مجالس وزرا که دایر شده بود، حین برآمدن از قصر، سردار داود در دهلیز به من نزدیک شد و اهسته گفت که بسوی رستوران قرغه بیایید من هم انجا میروم و با شما صحبتی دارم. چون بیرون آمدم، سیدعبدالله خان وزیر داخله گفت، جایکه شما میروید ما هم می رویم و دو نفر از رفقای دیگر هم در دعوت چای اشتراک دارند، اشاره به دوکتور محمد یوسف خان وزیر معادن و صنایع و دکتور علی احمدخان وزیر معارف نمود، معلوم است به او سپرده شده بود که به ما سه نفر موضوع را ابلاغ کند. ما به سوی قرغه حرکت کردیم ... و در تراس فوقانی

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خبر و لولي

رستوران به نشستم و چای فرمایش دادیم.» « در این وقت که محمد داودخان تشریف آورده بود ، رو به همه کرد و گفت رفقا به یاد دارید که روزهای تاسیس کلوپ ملی و چند مرتبه بعد از آن طرحی برای آوردن یک تحول و تغییر در اوضاع سیاسی مملکت فکر شده بود که باید ریخته شود. گمان میکنم حالا وقت آن رسیده است که دست به کار شویم و آن ارزوها را تحقیق بخشیم » مجروح می نویسد: « همه گفتیم که کار بسیار به جا و مناسب است : اما به چی صورت و چگونه باشد؟ باید در اطراف آن مباحثه شود. خود شما جناب صدراعظم صاحب چه فکر میکنید که چگونه باشد و چطور آغاز کنیم؟ سردار صاحب گفت: « من فکر میکنم لویه جرگه افغانستان دعوت شود و از طرف لویه جرگه پیشنهاد شود که آیا چه نوع نظام سیاسی را برای افغانستان میخواهند پادشاهی یا جمهوری؟ چه نوع تغییر و روشی را بحال مملکت مفید و لازم می دانند تا خود جرگه طرح انرا بریزد؟» مجروح در این موقع ابراز نظر میکند و میگوید: « سردار صاحب این طریق عملی نیست، اگر محض برای ابری ذمه و تبلیغات این کار را میکنید که نتیجه آن دوام نظام شاهی خواهد بود و چند تصویب و سفارش برای آوردن آزادی های دیموکراتیک و امثال آن صورت خواهد گرفت که تطبیق آن باز هم مورد سوال است که اجرا خواهد شد یا نه؟ و اگر میخواهید نتیجه عملی از لویه جرگه گرفته شود، فکر مزیدي میخواهد و در اجندا آن عوض چنین سوال، پیشنهاد مشخص و معینی موجود باشد، بهتر است .» مجروح در حالیکه افکار در مخیله خود داشت که به زبان نیاورد، در ادامه سخن چنین گفت: « افغانستان برای طرز جمهوری آماده نیست، مدتیست که فعالیت های سیاسی ممنوع و مختق شده است، اگر رفتن به سوی دموکراسی و یا یک نظام جمهوری بصورت تکاملی هسته صورت بگیرد، مفید و مثمر خواهد بود.» او همچنان می افزاید: « رفقای دیگر هم این نظریه را تایید می کردند، دلایل متعدد و تدابیری مختلفی را پیشنهاد کردند که از انجمله ترتیب قانون اساسی جدیدی بود که به اساس پادشاهی مشروط باشد و به تصویب جرگه [لویه جرگه] برسد.... در نتیجه رای به این قرار گرفت که نقاط مهم این قانون اساسی و تحول آینده یادداشت شود و کاغذی ترتیب گرد که به روی آن بحث و مجلس خود را ادامه دهیم. ترتیب نوشته را به من محول کردند و من در سه روز بعد یاداشتهای ابتدایی را که از مجلس گرفته بودم، بصورت یک پیشنهاد ترتیب نمودم و به اطلاع سردار داود رساندم. مجلس دوم را شبانه سردار موصوف بخانه سردار محمد نعیم دایر نمود که در این مجلس دوم علی محمدخان وزیر خارجه سابقه هم اشتراک داشت که معاون اول صدارت هم بود و هم مرد صاحب نظر و متفکر شناخته می شد .» به گفته مجروح مجلس تا ناوقت شب دوام کرد و سردار محمد نعیم معترضانة پرسید که :

« آیا شما شرایط محیط خود را سنجیده اید یا نه و نظام دیموکراتیک لیبرال را که تجویز میکنید ، قابل تطبیق میدانید یا نه ؟ » بهر حال در جواب گفته شد که مردم بعد از مشق و تمرین چند ساله به وجود آمدن حزب اکثریت و تبارز ارای عامه و پیدا کردن شعور سیاسی یقیناً موفق خواهند شد که یک نظام صحیح و ایدیالی داشته باشند و او هم رد نکرد و گفت که ببینیم پیشنهاد چگونه ترتیب شده است . خلاصه پیشنهاد ترتیب شد و در اطراف آن جر و بحث زیاد شد . دو سه مجلس دیگر هم در خانه سردار محمد داود صورت گرفت تا بالاخره تصمیم گرفته شد که : « قانون اساسی جدید با یک روحیه دیموکراتیک تسوید گردد و هیتی برای این کار تعیین شود . در دستور جدید باید تفکیک قوای ثلاثه زیر نظر گرفته شود، حکومت باید به شورا مسوول شناخته شود و باید به رای اعتماد شوری بمیان اید و با سلب اعتماد مجلس از بین برود . تمام ارزش های اعلامیه حقوق بشر و کنوانسیون های بین المللی در تسوید آن زیر نظر گرفته شود، یعنی آزادی بیان و اجتماعات و تاسیس احزاب تامین شود . بعد مسوده قانون اساسی مذکور به لویه جرگه تقدیم شود تا به تصویب برسد . بعد از تصویب این دستور حکومت سردار داود مستعی شود و حکومتی مطابق روحیه قانون بمیان اید .» مجروح مینویسد : « پیشنهاد در این مورد ترتیب شد و بحضور پادشاه تقدیم گردید و پادشاه بعد از رد و بدل شدن یکی دو مکاتبه پذیرفت و اعلان [اعلام] کرد که خواسته دیرینه من [اعلیحضرت] هم همین بود که چنین تحول در مملکت بوجود اید .» مجروح هیچ تذکر دیگر در مورد نمی دهد که چگونه این مکاتیب به پادشاه تقدیم گردید.» اما او می افزاید که : « دو ماه بعد از این ماجرا یک روز مجلس فوق العاده در صدارت عظمی دایر گشت و وزارا با اطلاع تلفونی به آن احضار گشتند. بعد از اجتماع سردار محمد داود به مجلس گفت که از وظیفه صدارت استعفا خود را رسماً بحضور پادشاه دیشب تقدیم نموده ام .» به گفته مجروح که رفقا از محمد داود سوال های مبنی بر این تصمیم کردند ولی او از : « تفصیل مزید خود داری کرد و ما هم هیچ نفهمیدیم چی واقع شده بود که این حرکت عاجل صورت گرفت بود.» پس از این رویداد پادشاه داکتر محمد یوسف و مجروح را به ارگ دعوت کرد و ضمناعلام قبولی استعفا محمد داود از هر دو خواست تا حکومت جدید را به همکاری هم و تحت ریاست داکتر یوسف تشکیل دهند و مجروح در کابینه جدید به حیث وزیر عدلیه تعیین شد و بدینوسیله در مسیر دوستی دیرینه او با محمد داود تغییر جهت بار آمد

(شرح مزید - مجروح : « سرگذشت من ».... صفحات ۱۲۷ تا ۱۳۶)